



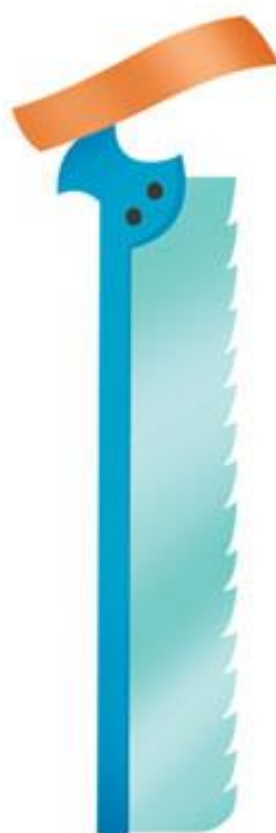
اَسْبَكِ زَرْدِ چِهَارِ سُمِّ
پُشتِ اَمِ دَارِمِ سِيَاهِ دُمِّ
يَالِ هَايِ نَرَمِ اَمِ جُمِّ جُمِّ
صِدَايِ پَامِ پُمِّ پُمِّ پُمِّ



اَ - اِ
کوتاه، پیشین، لب باز،
دهان افراشته



اين آره است بُرنده
رو تن اش دنده دنده
از آهن سخت تر اش
نمی شه کرد خم اش!



اَ - اِ
خودوای کوتاه



الیکایی چَرَنده اَسْت؟
الیکایی یه دَنده اَسْت؟
الیکایی خَزَنده اَسْت؟
نَه! نَه! نَه!
الیکایی پَرَنده اَسْت!



! - -

کوتاه ، پیشین ، لب نیم باز



اِسکی هَسْتِش ورزِشِ سَخْت
زیرِ پاهات دو چوبِ تَخْت
کفشِ اِسکی به چوبِها بست
دو تا عصا در کفِ دَسْت



! - -

خودوای کوتاه



اسم ام چیه؟
الآغه
خونه ام گجاست؟
تو باغه
اون باغ كه توش كلاغه
دورو برش چراغه



ا - ا
- -
كوتاه، پسین، لب نیم‌گرد



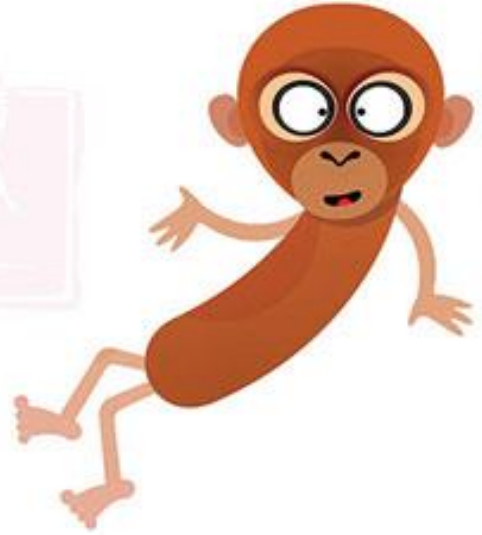
این استخوان درشت است
استخوان پا یا پشت است؟
این استخوان از شتر است
بین که توی آن پُر است



ا - ا
- -
خودوای کوتاه



اورانگوتان بی دُم
نَه مو دارم نَه یک دُم
دو پا دارم نَه چارسم
یک طَبَل دارم بُم بُم بُم



او - و

بلند، پسین، لبگرد



اوکالیپتوس پر از برگ
روی برگ هاش چندتا رگ
کوالا از این برگ می خوره
شکم اشو ببین چقدر پُره!



او - و

خودوای بلند



چه هستم من جزیک مرغ؟

سیمرغ یا شتر مرغ؟

نه این و نه آن ام

ایمو ایمو جان ام



ای - ای - ی

بلند، پیشین، لب و دهان
نیم بسته



آهای آهای راننده!

دیرم شده این جا ایستگاه

چنده؟

ایستگاه دیگه بیست است!

آن جا، جای ایست است!

ای - ای - ی

خودوای بلند



آکِه سَرش کُلاه اَست
میون اِسْم ماه اَست
توی گَمان و کاه اَست
با آهوها تو راه اَست!

آ - ا

بلند، پسین، لب باز، دهان
افراشته



خورشید ما چو پرتقال

آفتاب او همی سال

بتاب بر آلبالوی کال

تا بشود سرخ زغال

آ - ا - ل

خودوای بلند



بِهَارِه بِهَارِه
کوه با دشت بیداره
بُزِه زیر آبشاره
صحرا پُر آرز جوی باره



ب - ب

دولبی، ترکشی، خاموش



این بادنجان کبود است
آب توی رود است
بهار فصل سرود است
بلبل در حال فرود است



ب - ب

هم‌وای فارسی



پِنگوئن چاق و پُر پَر
نِشستِه اَسْت جَلو دَر
دو بال داره با يک سَر
او بچه اَسْت يا مادَر؟

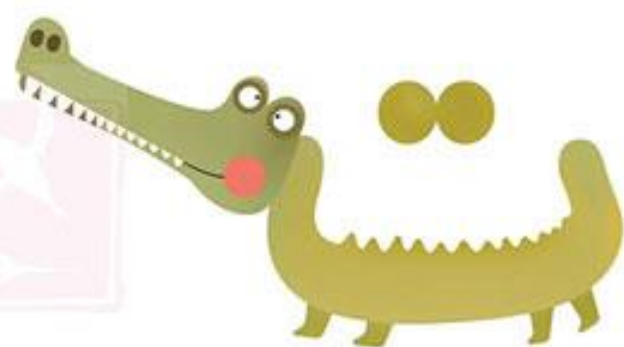


پ - پ

دولبی، ترکشی، گویا



تَمْسَاحِ مَا چِه تَنهَا
سَرَشِ بَالَا بِه هَوَا
توت می خوادش با حَلَوَا
کی دَارِدَش بِفَرَمَا!



ت - ت
بیخ‌دندانی، بسته، ترکشی،
خاموش



تخت برای خواب است

تخته برای قاب است

تخت با **تخته** از چوب

نچار بَبُر و بکوب



ت - ت
هم‌وای فارسی



این ثور است یا گاؤ؟
سوار است بر ناؤ؟
به عربی به گاؤ می گن ثور
دُرست بخوون بر وزن دُور



ث - ث

نوگ زبانی، میان دندانی



ثروت چی است؟

گاهی جواهر و طلاست

گاهی پول جیب باباست

گاهی تو مغز ماست



ث - ث



هم‌وای اوستایی - عربی



جُغدم مَن یایه گنجشک؟
درختِ کاج یا تمشک
تو پا می شَم با جوراب
گاهی می شَم جامِ آب



ج - ج
پیش کامی، آمیخته،
ترکشی، گویا



جوراب من تو جاشه

جای اون کجاست؟

تو پاشه!

توی پای کی؟

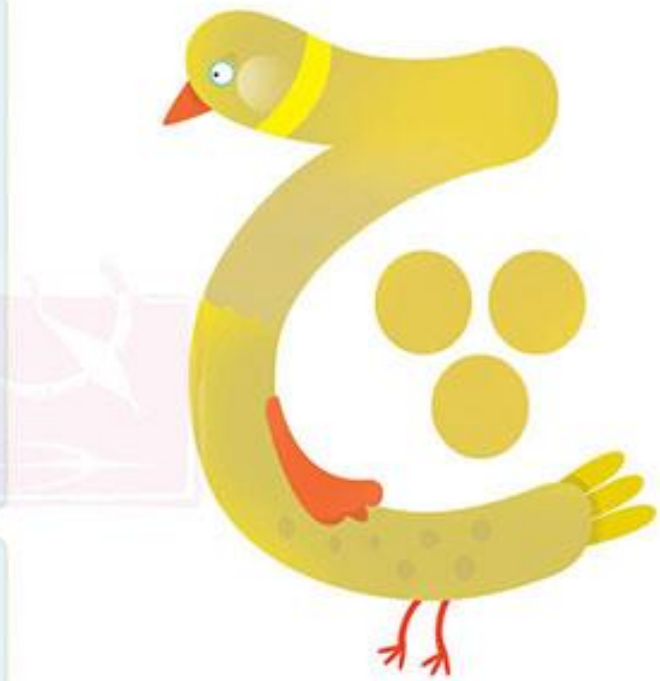
داداشه!



ج - ج
هم‌وای فارسی



چلچله و چکاؤک
باهم می زن یا تگ تگ
ناهار دارن سوپِ قارچ
آب می خورن از تو پارچ



چ - چ
پیش کامی، آمیخته،
خاموش



چای تازه بریز و بیار
پارچ آب رو کنارش بذار
چای با چلو مزه داره
گلدان چوبی سبزه داره



چ - چ
هم‌وای فارسی



حَلَزُونَه چِشْمِ دِرَازَه
چِه خُوشِ گِل و چِه نَازَه
گُوشَا و چِشْمَاش بَازَه
هَمَه جَا پُر از آوازَه

ح - ح

گلوپی، تنگ نایی، ماسیده



این حوض پر ز کاشی
کاشی ها به رنگ آبی
حوض تو حیاط خونه
مثل بهشت می مونه

ح - ح

هم وای عربی



خ که شده یه خروس
خَرگوش رو کم تر ببوس
خیلی نشو تو هم لوس
پیش پیشی ناز مَلوس



خ - ف

نرم کامی، سایشی، خاموش



با خودنویس خوب بنویس

روی کاغذ یا پشت نویس

با خط ریز میخ بنویس

اگر نشد سیخ بنویس



خ - ف

هم‌وای فارسی



دارکوب که دار می کوبه
صدایش زیادی خوبه
صدای تگ تگ چوب
دارکوب چون ام باز بکوب!



د

زبان دندان، بسته، گویا



هوای کوه سرد است

این دست یک مرد است

مردی که دستکش دارد

رو دستاش روکش دارد



د



هموای فارسی



به فارسی من که گرگام
بین چه قدر بزرگام
تو عربی ذئبام
همون گرگام نه سگام



ذ

نوگ زبانی، بالا دندان



این ذره زیر ذره بین

درشت می شه خوباش بین

ارزن می شه اندازهی ذرت

تند و تیز با سرعت



ذ



هموای اوستایی - عربی



روباھگ خوش زَبان
چہ راحت اَسْت رو زَبان
می چَرخه از زیرِ کام
ر می گِہ مَن مہرَبان
باران می باره جان جان!



پیش کامی، تنگ نایی،
لرزان، گویا



این مرد دریانورد است
تو دریا هوا سرد است
ریش او رفته با باد
خودش اما خیلی شاد



هم‌وای فارسی



یک زاغ سیاهِ شنگول

چه زیبا و چه مقبول

قررر قررر می خوونه

الفبا رو می دونه



ز
بیخ دندان، تنگ نایی،
سایشی، گویا



زاغه عاشق گردو

زاغه بودش شکمو

زاغه به هر جا سر می زد

برای گردو پر می زد



ز
هم‌وای فارسی



مژده مژده یک خبر خوب
ژونکو اومده به در بکوب!
اون ديگه کيه؟
شغل اش چيه؟
ژونکو مرغ پرنده است
می گرده و چرخنده است

ژ
پیش کامی، تنگ نایی،
سایشی پاشیده، گویا



این پسره ژیمانست است
خمیده یا راست است
مژده که او قهرمان است
ژیمانست خوب ایران است



ژ
هم وای فارسی



سَلَام به سَبَز و آبی
سَلَام به سُرْخ ماهی
بوسه بَزَن به سَنَجَاب
بِپَر باهاش توی آب



س - سَد
بیخ دندان، تنگ نایی،
سایشی، خاموش



این گوجه سبزی **سرخ** است؟

من می گم **سرخ** **سرخ** است

نام این **سس** مهرخ است

سارا پیش فرخ است



س - سَد

هم وای فارسی



شُتْرِ صَحْرَانَوْرِد

هوای صحرا نیست سرد
راه می‌ره پشت اون مرد
پاش می‌کنه خیلی درد



ش - شد
پیش کامی، تنگ‌نایی،
سایشی پاشیده، خاموش



این شال از آن شادی‌ست

شادی در حال بازی‌ست

شادی شال‌اش را دوست دارد

این شلیل‌ها هم پوست دارد



ش - شد



هم‌وای فارسی



صَدَفِ خَوَارِمِ پَرَنَدَه؟
صَدَفِ كِيلَوِييِ چَنَدَه؟
صَدَفِ كِنَارِ آبِه
خَوْرَاكِ اش خِيَلِي نَابِه



ص - ص

تَنگِ نَائِييِ، پُرْدَمَشِ،
بِي سَائِيَشِ



صَنْدَلِي از چَوْبَامِ مَن
بِرَايِ نَشِسْتَنِ خَوْبَامِ مَن
صَدْمَه نَزَنِ بِه تَنَامِ
وَكْرَنَه دَادِ مِي زَنَامِ!



ص - ص

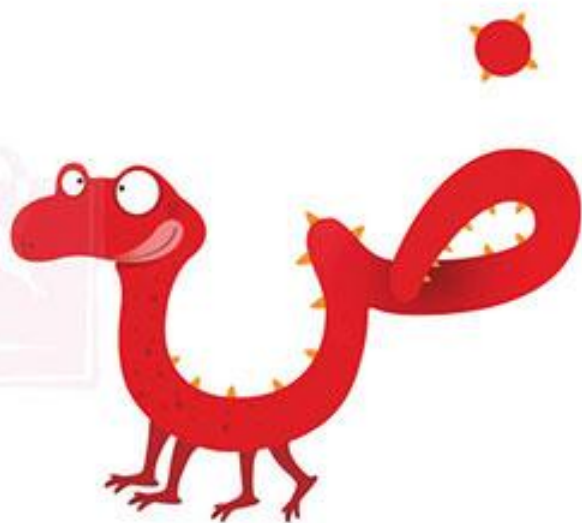
هَمِ وَايِ عَرَبِي



بِهِ فَارَسِي مَن بَزْمَجِه
دُمَامِ كَمِي هَم كَجِه
بِهِ عَرَبِي ضَبَانِ ام
هَرْدُو هَمُونِ ام جَانِ ام!

ض - ض

تنگ نایی، پُردمش



ضبط صدا کار منه

پخش اون شاهکار منه

ضربه نزن به دست ام

ببین چقدر نو هستم!

ض - ض

هم وای عربی



طاووسِ دُمِ چتری
طوطی سبزِ عطری
با هم دیگه تو سبزه
حرف می زنن با غمزه
نوک می زنند به مرزه



ط

تنگ نایی، پردمش



طناب رو ببین با این طول
طناب بلند می خواد پول
طاهره طناب را خرید
از وسط اونو یه بار چید



ط

هم‌وای عربی



به فارسی راسو نام ام
پوست قشنگو جان ام!
به عربی ظربان ام
کینار شیر می خوان ام



ظ

تنگ نایی، پُردمش



ظرف چینی ظریف است
پشت ویتترین ردیف است
ظرف بلور شفاف است
گل دار یا صاف است



ظ

هم وای عربی



به‌اش می‌گن **عَمَه** عَنكَبوت
حَرَف می‌زنه با سِه تا سوت
خاموش کِه می‌شه هَمه جا
سگوت
خوراک‌اش چیه؟
نعناع و عدس، باگمی توت



ع - ع
گلوپی، ماسیده، کم‌دمش



عقرب هستم یا کژدم
نشسته زیر هیزم
کمین یک شکارم
نیش زدن هست‌اش کارم



ع - ع
هم‌وای عربی



یک غاز سبز توی رود
با بچه‌هاش شیش تا بود
از کلبه‌ها می‌آد دود
قصه‌ی بود و نبود



غ - غ

نرم‌کامی، سایشی، گویا



تو باغ ما این همه گل

غنچه‌ها هست کنار پل

غنچه‌ی باغ زرد و سفید

باغ بان چرا اونا رو چیدا؟

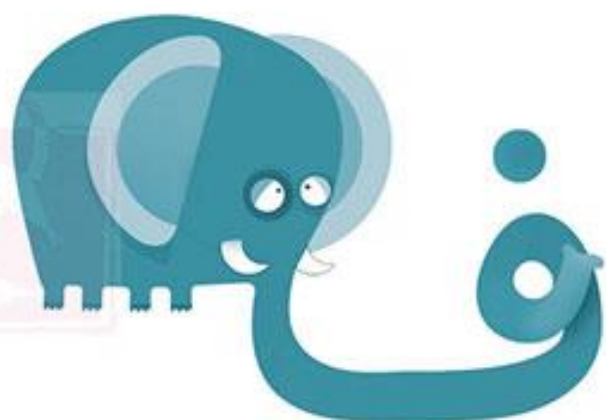


غ - غ

هم‌وای فارسی



فیل ام یا من یه فنجون؟
فیل که باشم پُر آز جون
فنجون باشم، کو اون جون؟
فندق بخور با زیتون!



ف - ف
لب دندانى، سایشى،
خاموش



فلفل نبین چه ریزه

بشکن ببینن چه تیزه

ازش آتیش می ریزه

کیف هم روی میزه



ف - ف

هم وای فارسی



قوی قشنگ تو آبه
بچه‌ی قو هم خوابه
تو آسیمون عقابه!
فکر شیکار نابه
مبادا قو بخوابه!

ق - ق

نرم‌گامی، بسته



قالب برای لنگر است

قایق و کشتی بندر است

این قالب این قایق است

این قایق مرد چاق است

ق - ق

هم‌وای عربی



کِرمِ قَشَنگِ شَبِتاب
نورِش بهِ مِثْلِ مَهتاب
کَبکِ و کَبوترا خِواب
صِداي غُلْ غُلْ آب



ک - ک

پس گامی، بسته، خاموش



کمر بندش دراز است

قلاب دارد که باز است

کی ساخته این کمر بند

بهای او هست اش چند؟



ک - ک

هم‌وای فارسی



گربه‌ی بازیگوش‌ام
صدا می‌شنوم با گوش‌ام
دنبالِ چَند تا موش‌ام
تو شیکار موش می‌کوش‌ام



گ - گ

پس‌کامی، بسته، گویا



این ریسمان چند گره دارد؟

یکی دو تا سه تا دارد

ریسمان به پای گِرد است

این گِرد خیلی بزرگ است



گ - گ

هم‌وای فارسی



لک لک پا بلند
ببین چقدر قشنگه
دو پا داره مث لام
خونه اش کجاست؟
روی بام



ل - ل
پیش کامی، تنگ نایی،
کناری، گویا



لیوان آب بلور است

ماهی تو اون چه جور است!

لب لیوان گرد است

لاله هنوز شاگرد است



ل - ل
هم‌وای فارسی



م که می گن یه ماره
ماری که روز بی کاره
شَب که می شه به کاره
کارش چیه؟ شیکاره

م - م

دولبی، فراکامی



کار متر چیه، بریدن؟
بادام و خمیر کشیدن؟
متر کارش با اندازه است
میز، لباس یا سازه است

م - م

هم وای فارسی



این سنگه یا نهنگه
دهان اش آیا تنگه؟
دم اش بگو چه رنگه؟
چشم اش چقدر قشنگه!



ن - ن

پیش کامی، فراکامی، گویا



به این می گن نعل اسب
با میخ می چسبه نه چسب
موقع کار نیاز است
اسب شجاع چه ناز است



ن - ن

هم‌وای فارسی



این وَزْغِه خال داره
سَبْزِه تَن اش، شال داره
گَف پاهاش بال داره
غور غوراش ام حال داره



و

لب‌دندانی، سایشی، گویا



در به ایوان بازه

تو خونه صدای سازه

سازه چه خوش می‌نوازه

ویلون با رِنگِ تازه



و

هم‌وای فارسی



هشت پای توی دریا
اومد پیش ناخدا
از این جا و از اون جا
قصه گفت اش با آوا
قصه‌ی چند تا ماهی
ماهی های راه‌راهی



ه - ه

گلویی، سایشی، خاموش



هلوی ما هسته جداست

شیرین است در همه

جاست

توی باغ بهاری



ه - ه

هم‌وای فارسی



یک یک یک یه سایه
یوزپلنگ توی کوه پایه
با ببر شده هم سایه
شیر می خورن پُرمايه



ی - ی
نیم‌وای فارسی، میان
کامی، گویا



این یال اسب یا بال او
من می‌گم هست این یال او
اگر گفتی چند سال او؟
یازده سال است خال دار او



ی - ی
نیم‌وای فارسی

